

مجله مطالعات ایرانی

دانشکده ادبیات و علوم انسانی

دانشگاه شهید باهنر کرمان

سال چهاردهم، شماره بیست و هفتم، بهار و تابستان ۱۳۹۴

ویژگی‌های سبک‌شناسانه در مناظرات پروین اعتصامی*

دکتر ابراهیم واشقانی فراهانی

استادیار زبان و ادبیات فارسی دانشگاه پیام نور

سعید مهري

کارشناس ارشد زبان و ادبیات فارسی دانشگاه پیام نور

چکیده

مناظره یکی از انواع ادبی است که پیشینه آن به تمدن‌های کهن بین‌النهرین، یونان، ایران و هند بازمی‌گردد. این گونه ادبی، در ادوار بعدی، در زبان و ادب پارسی نیز جریان می‌یابد و شاعرانی چون اسدی توسی، نظامی گنجوی و داستان‌سرایان پیرو او، خواجه‌سوی کرمانی و پروین اعتصامی بدان می‌پردازند. در این شیوه بیان هنری، طرفین با گفت‌وگوی دو به دو، به طرح دیدگاه‌هایشان می‌پردازند. در ادبیات معاصر فارسی، پروین اعتصامی یکی از بزرگان فن مناظره به شمار می‌آید و یک وجه بسیار مهم مناظره‌های منظوم او، کثرت آثار، وسعت موضوعات و پرداختن به مسائل اجتماعی و انسانی در این آثار است. در این مقاله با روش توصیفی و تحلیلی به بررسی لایه‌ها و وجوه گوناگون سبک‌شناسانه از قبیل شکل ظاهر و قالب، انگیزه، مقدار، موضوع، انواع ادبی، نتیجه، طرفین، ذکر مشتقات فعل «گفت»، آرایه‌های ادبی و لحن در مناظرات پروین اعتصامی می‌پردازیم تا دریچه‌ای برای شناخت کامل‌تر آثار این شاعر برجسته معاصر گشوده شود.

واژه‌های کلیدی: مناظره، پروین اعتصامی، سبک‌شناسی، انواع ادبی.

تاریخ پذیرش نهایی مقاله: ۱۳۹۴/۷/۲۰
vasheghani1353@gmail.com

* تاریخ دریافت مقاله: ۱۳۹۳/۱۰/۲
نشانی پست الکترونیک نویسنده:

۱- مقدمه

پروین اعتصامی، فرزند یوسف اعتصام‌الملک آشتیانی، در سال ۱۲۸۵ هـ.ش. در شهر تبریز دیده به جهان گشود و در کودکی، همراه پدر به تهران آمد. ادبیات فارسی و عربی را نزد پدر فراگرفت و از هشت سالگی به شعر گفتن آغازید. در سال ۱۳۰۳ هـ.ش. دورهٔ مدرسهٔ آمریکایی را در تهران با موفقیت به پایان رساند. وی در سال ۱۳۲۰ هـ.ش. در سن سی و پنج سالگی به بیماری حصبه مبتلا شد و با همین بیماری هم دار فانی را وداع گفت (ابراهیمی، ۱۳۹۱: ۹-۱۰)، در حالی که در همین زندگانی کوتاه، گنجینه‌ای از اشعار نغز را از خود به یادگار گذاشته بود. بی‌شک پروین اعتصامی را می‌توان یکی از بزرگ‌ترین شاعران زن در طول تاریخ ادبیات فارسی دانست. یکی از دلایل شهرت وی، مناظرات منظوم اوست که زلالی زبان، روانی بیان، موضوعات ملموس و القای قوی احساس در آنها، مثال‌زدنی است.

۱-۱- بیان مسئله

مناظره، یکی از کهن‌ترین قالب‌های بیان ادبی است که پیشینهٔ آن به آثار اساطیری، حماسی و مذهبی اقوام و ملل باستان بازمی‌گردد و سپس در آثار ادبی، صاحب نوعی مستقل می‌شود و اسلوبی مشخص می‌یابد.

مناظره بر حسب لغت، تبادل نظر میان دو نفر است و آن را «با هم نظر کردن؛ یعنی فکر کردن در حقیقت و ماهیت چیزی، با هم بحث کردن، مجادله و نزاع با یکدیگر و بحث با یکدیگر در حقیقت و ماهیت چیزی، با هم جواب و سؤال کردن» (دهخدا، ۱۳۷۳: ۱۳۷۳) ذیل «مناظره» معنا کرده‌اند. نیز در معنای لغوی مناظره نوشته‌اند که مناظره «مباحثه و مجادله کردن، ستیهیدن، توجه متخاصمین در اثبات نظر خود در مورد حکمی از احکام و نسبتی از نسبت‌ها، برای آشکار کردن حق و صواب» است (معین، ۱۳۸۵: ۱۳۸۵) ذیل «مناظره».

افزون بر معنای لغوی، مناظره به‌سان دیگر مصطلحات فنون، دارای تعاریف اصطلاحی فنی نیز هست. مناظره «از فروع علم منطق، علم نظر یا علم المناظره، یا علم آداب البحث در باب کیفیت ایراد کلام در بین مناظره‌کنندگان و طریق اثبات دعوی است» (صفا، ۱۳۷۳، ج ۱: ۲۴۶). بدین ترتیب، مناظره فنی است معطوف به اثبات دعوی به شیوهٔ اقتاعی و از این جهت، افزون بر طرق برهان منطقی، هر گونه

استدلالی را که به اقناع و اسکات بینجامد، شامل می‌شود؛ از این جهت، مناظره در معنای اصطلاحی، چیزی بیش از مناظره در معنای لغوی دارد و از صرف گفت‌وگو فراتر می‌رود. این سیر تحول و فراروی از معنای لغوی به معنای اصطلاحی را در ادب پارسی، می‌توانیم در سیر تحول مناظرات عصر اوستایی به مناظرات عصر ایرانی میانه به‌روشنی دریابیم. آنچه در مجلدات اوستا از قبیل گات‌ها (اوستا، ۱۳۸۵: ۳-۸۷)، و یشت‌ها (همان: ۲۶۹-۵۱۵) صرفاً گفت‌وگوی دو نفر-هرچند با لحن مکابره و منازعه است- در متون ایرانی میانه از قبیل ماتیکان گجستک ابالیش (فرخ‌زادان، ۱۳۷۶: ۱۹)، به اسکات یکی از طرفین می‌انجامد. همین شیوه است که سپس از آثار فارسی میانه به آثار فارسی نو منتقل می‌شود.

مناظره در مصطلحات ادبی نیز، تعریف خاص خود را دارد. «مناظره بر مبنای سؤال و جواب است و ظاهراً هم مناظره و هم سؤال و جواب، خاص شعر فارسی است و قبل از اسلام هم در ادبیات سابقه داشته است» (شمسیا، ۱۳۷۵: ۲۳۷). آنچه را شمسیا در این تعریف با عنوان «شعر فارسی» یاد می‌کند، نه شعر فارسی در معنای اخص، که تنها دوره فارسی نو را شامل می‌شود؛ بلکه شعر فارسی در معنای وسیع خود است که آثار دوران ایرانی میانه و باستان را نیز شامل می‌شود و بر این مبنای سابقه مناظرات را به ادبیات پیش از دوره اسلامی می‌رساند. پیوند دیرین ادبیات ایرانی میانه و باستان با حماسه و اسطوره موجب شده است که مناظرات فارسی نو نیز در امتداد ادوار پیش از خود، حتی در نوع تغزلی که در خسرو و شیرین نظامی (نظامی، ۱۳۷۶: ۲۳۳) و فرهاد و شیرین وحشی بافقی (وحشی بافقی، ۱۳۸۶: ۴۲۳-۴۵۲) دیده می‌شود، باری از مکابره را در خود به نمایش بگذارد. «در اصطلاح ادبی در ژرف ساخت مناظره هم حماسه است؛ زیرا در آن بین دو کس یا دو چیز بر سر برتری و فضیلت خود بر دیگری، نزاع و اختلاف لفظی در می‌گیرد و هر یک با استدلالی، خود را بر دیگری ترجیح می‌دهد، سرانجام یکی مغلوب می‌شود» (شمسیا، ۱۳۷۵: ۲۲۷).

مناظره در ادبیات پارسی، پیشینه‌ای کهن و درخشان دارد. زبان و ادبیات پارسی از عصر اوستایی و سپس در متون ایرانی میانه (اعم از آنکه پیش یا پس از اسلام، تدوین شده باشند)، شاهد رگه‌هایی درخشان از مناظره است که نمونه‌هایی

از آن‌ها را می‌توان در مجلّدات اوستا؛ به‌ویژه در گات‌ها و یشت‌ها، منظومه نخل و بز، درخت آسوریک و ماتیکان گجستک اِبالیس مشاهده کرد. بر این اساس، زرتشت را بنیانگذار اسلوب مناظره و گات‌ها را کهن‌ترین نمونه مناظره در ادب ایرانی دانسته‌اند (چاوش‌اکبری، ۱۳۸۰: ۱۲۸-۱۲۹). ادبیات فارسی میانه هرچند که با پایه‌گذاری دولت ملّی ساسانی، شاهد افزایش روحیه و اغراض ملّی است؛ اما این روحیه ملّی، پیوندی ناگسستی با دین ایرانی دارد و متون ایرانی میانه، سخت متأثر از اوستا هستند. یک وجه این تأثیرگذاری، در تداوم اسلوب مناظره در متون برجسته ایرانی میانه دیده می‌شود و البته، نیاز به احتجاج با دگرگیشان نیز، ضرورت به کارگیری اسلوب مناظره را در دوره ایرانی میانه افزایش می‌دهد. این مناظرات اگرچه با غرض اولیه ادبی پدید نیامده‌اند؛ اما اسلوب گفت‌وگو و حتی احتجاج در آنها به‌خوبی رعایت شده‌است و همین اسلوب است که در آینده به طرزی اندازه متن با دیگر متن یکی باشد. مستقل، در آثار فارسی نو به کار گرفته می‌شود.

در دوره فارسی نو نیز، مناظره حضوری دیرپا دارد. مناظره‌های شاهنامه حکیم فردوسی به‌ویژه مناظره چندباره رستم و اسفندیار (فردوسی، ۱۳۸۹: ۸۴۷-۸۵۲) از یک سو، ترجمان منظوم مناظره‌های منابع ایرانی میانه است و از سوی دیگر، رواج گونه ادبی مناظره را در ادبیات فارسی نو به نمایش می‌گذارد. می‌توان حدس زد که آثار مفقود شده‌ای مانند کلّیل و دمنه رودکی نیز، خالی از مناظره نبوده‌باشد؛ اما نخستین شاعر ایرانی در دوره فارسی نو که مناظره را به سان نوع ادبی مستقل در آثار خود به کار می‌گیرد، اسدی توسی، شاعر و لغوی قرن پنجم هجری است. «ظاهراً اولین شاعری که به انواع ادبی مناظره پرداخته است، اسدی طوسی صاحب گرشاسپنامه و لغت فرس است. از او اشعاری در مناظره آسمان و زمین و ... به جا مانده است» (شمیسا، ۱۳۷۵: ۲۲۷). آنچه در این مناظرات، جالب توجه است، تشخیص یافتن اسلوب مناظره و استقلال آن است که در آثاری مستقل و نه در دل آثاری بزرگ‌تر، اجرا می‌شود؛ همچنین لحن مکابره، شیوه احتجاج اقناعی و هدف اسکات در این مناظره‌ها به روشنی دیده می‌شود؛ از آن پس، مناظره در شعر پارسی، سخت مورد توجه قرار می‌گیرد و افزون بر شاعرانی از قبیل

خواجهی کرمانی که به سرایش مناظرات مستقل متعدّد می‌پردازند، بسیاری از دیگر شاعران نیز به سرایش مناظره، خواه به صورت مستقل و خواه در دل آثاری بزرگ‌تر می‌پردازند که از شمار آنها می‌توان به مناظره خسرو و فرهاد در کتاب «خسرو و شیرین» نظامی (نظامی، ۱۳۷۶: ۲۳۳)، مناظره شمع و پروانه در «بوستان» سعدی (سعدی، ۱۳۶۳: ۳۰۸)، مناظره پرده و رایت در «گلستان» سعدی (همان، ۱۲۸-۱۲۹)، غزل معروف «گفتم غم تو دارم» از حافظ شیرازی (حافظ، ۱۳۸۶: ۱۵۱) و انبوهی از دیگر مناظره‌ها از شاعرانی چون ناصر خسرو، خاقانی شروانی، مولوی بلخی، وحشی بافقی، کلیم کاشانی، قاتنی شیرازی، وصال شیرازی، ملک‌الشعرا بهار و ادیب‌الممالک فراهانی اشاره کرد؛ اما آنکه در این زنجیره طولانی، باری دیگر به اسلوب مناظره، تشخّص، استقلال، وسعت و تنوع بخشید؛ بی‌گمان پروین اعتصامی است. در این مقاله با روش توصیفی-تحلیلی به گردآوری نمونه‌های مناظره در شعر پروین اعتصامی و تحلیل و طبقه‌بندی آنها پرداخته می‌شود.

۱-۲- پیشینه پژوهش

نظر به اهمیت پروین اعتصامی و جایگاه والای او در شعر پارسی، آثار و احوال او به صورت مستقل یا نامستقل و در قالب کتاب یا مقاله، موضوع پژوهش‌های بسیار بوده‌است که از جمله آنها می‌توان به این موارد اشاره کرد:

- «حکیم‌بانوی شعر فارسی؛ زندگی و شعر پروین اعتصامی»، اثر رحیم چاوش‌اکبری.
- «تاریخچه زندگانی پروین اعتصامی» از ابوالفتح اعتصامی.
- «چند کلمه درباره پروین اعتصامی» از جلال متینی.
- «جایگاه پروین اعتصامی در شعر فارسی» از حشمت مؤید.
- «پروین اعتصامی» از سعید نفیسی.

اما آنچه به طور اختصاصی به موضوع مناظره در شعر پروین اعتصامی پرداخته باشد، مقاله «نگاهی سبک‌شناسانه به مناظره‌های پروین» به قلم دکتر مهدی نیک‌منش است که ضمن فواید آن به جهت پرداختن اختصاصی به موضوع مناظره در شعر پروین، مقاله‌ای مختصر و با جوانب و لایه‌های سبک‌شناسانه محدود است و از این جهت، پرداختی دوباره و مبسوط‌تر بدین موضوع، ضروری به نظر می‌رسد.

۱-۳- اهمیت و ضرورت پژوهش

بی‌تردید در میراث شعر پارسی، هیچ شاعری به اندازه پروین اعتصامی به نوع ادبی مناظره نپرداخته و آثار درخور تأمل از خود برجا نگذاشته‌است. پرداختن پروین اعتصامی به مناظره، به گونه‌ای است که گویی او را برای مناظره و مناظره را برای او آفریده‌اند. «در واقع، پروین از روی فطرت و غریزه به شیوه مناظره روی آورده است» (سبحانی، ۱۳۸۸: ۶۲۹) و مناظره را در آثار خود به درجه‌ای رسانده‌است که شناخت اسلوب مناظره در شعر پارسی، بدون بررسی این اسلوب در آثار پروین اعتصامی، کاری ناتمام خواهد بود.

۲- بحث

۱-۲- شکل ظاهری و قالب

بررسی کمی مناظره‌های پروین، نشانگر توجه فوق‌العاده وی به مناظره‌سرایی است. دیوان وی دارای ۲۱۹ عنوان شعر است که از این میان، ۱۲۰ عنوان به مناظره اختصاص دارد و این بالغ بر ۵۵ درصد اشعار اوست که نشانگر وسعت حضور مناظره در دیوان پروین اعتصامی است. در ادامه به بررسی مناظره‌ها به تفکیک قالب می‌پردازیم:

۱-۱-۲- قصیده

قصیده که در مصطلحات ادب پارسی به آن چکامه هم می‌گویند، نوعی از شعر است که بیشتر در وصف طبیعت و مدح یا ذم کسی یا چیزی سروده شود. از مجموعه مناظرات پروین، تنها یک قصیده با عنوان «چراغ روشن جان» (پروین، ۱۳۸۷: ۶۱) جنبه مناظره دارد؛ اما همین شعر نیز هرچند که در میان بخش قصاید، منظم شده‌است، به لحاظ قالب، قطعه است.

۱-۲-۲- مثنوی

مثنوی، چنانکه از نامش پیداست؛ شعری است که قافیه‌هایش دو به دو تغییر می‌کند و از این جهت، شاعر با رهایی از رعایت قافیه در زنجیره‌ای طولانی، آزادی عملی بیشتر برای پرداخت موضوع می‌یابد؛ از این جهت، مثنوی قالبی مطلوب برای داستان‌سرایی و موضوعات مبسوط است. این مطلوبیت را در کمیّت مناظره‌هایی که پروین در قالب مثنوی سروده‌است، می‌توان دید. ۳۹ شعر از مناظره‌های پروین اعتصامی در قالب مثنوی

سروده شده است که از میان آنها می‌توان به مثنوی‌های «امید و نومیدی»، «تیمار خوار»، «کریاس و الماس»، «گل و شبنم» و ... اشاره کرد.

۲-۱-۳- قطعه

قطعه به لحاظ صورت در حقیقت، قطعه‌ای از قصیده است که بیت مُصرَع قصیده را شامل نشود؛ از این جهت، قطعه شعری است که از رعایت قافیه در مصرع‌های زوج پدید می‌آید؛ بدین ترتیب، سهولت رعایت قافیه در قطعه نسبت به قصیده تنها در حذف یک قافیه است و قطعه نیز، به جهت دشواری رعایت قافیه، در نظر، مشابه قصیده است؛ اما در عمل چنین نیست و آزادی شمار ایات در قطعه، آن را از قصیده سهل‌تر می‌سازد؛ هرچند که این سهولت به اندازه مثنوی نیست. از مجموع مناظرات پروین، ۶۸ مورد در قالب قطعه سروده شده و این شمار، کمابیش دو برابر مناظره‌هایی است که وی در قالب مثنوی سروده است. سبب این فرونی کمی را نه در ویژگی‌های فنی قالب قطعه، که در سنت ادبی بر نهاده شده پیش از روزگار پروین باید جست. مناظره‌های پروین اعتصامی به لحاظ درون‌مایه، به نوع ادبی حکمی و اخلاقی تعلق دارد و این نوع ادبی را شاعران برجسته پیش از پروین از قبیل انوری ابیوردی، سعدی شیرازی و ابن‌یمین فریومدی، بیشتر در قالب قطعه اجرا کرده و تشخص بخشیده‌اند؛ به گونه‌ای که بر اثر مساعی این دسته از شاعران، قالب قطعه، طنین محتوایی اخلاق‌مدار و حکمی یافته است؛ بدین ترتیب، تخصیص یافتن قالب قطعه برای بیان موضوعات اخلاقی و حکمی، پروین را نیز برای سرایش مناظره‌های اخلاقی و حکمی‌اش، به سمت گزینش این قالب سوق داده است. سنت شدگی قالب قطعه برای موضوعات اخلاقی و حکمی تا به حدی است که حتی در بسیاری از قطعه‌های اخلاقی - مناظره‌ای پروین، می‌توان طنین شعر بنیانگذاران این سنت؛ به‌ویژه انوری ابیوردی را شنید. نمونه بسیار واضح این پدیده، قطعه «اشک یتیم» پروین (همان: ۱۶۳) است که دقیقاً منطبق بر الگوی قطعه «زیرک و ابله» انوری ابیوردی (انوری، ۱۳۷۲، ج ۲: ۵۲۸) سروده شده است.

۲-۲- طول مناظره

مناظره‌های پروین به لحاظ طول اجرای مناظره، وضعیتی متفاوت و متنوع دارند. برخی مناظره‌ها مصراع به مصراع یا بیت به بیت اجرا می‌شوند؛ مانند: «جمال حق» (پروین، ۱۳۸۷: ۲۰۸)؛ اما در برخی موارد، گفتار یکی از طرفین، کوتاه است

و گفتار طرف مقابل، مفصل است؛ مانند شعر «بنفشه» که از موارد فقدان تقارن در اندازه سؤال و جواب است:

بنفشه صبحدم افسرد و باغبان گفتش که بی‌گه از چمن آزرده زود روی نهفت
جواب داد که: ما زود رفتنی بودیم چرا که زود فسرده آن گلی که زود شکفت...
(همان، ۱۸۲-۱۸۳)

به نظر می‌رسد که سامان‌دهی و سهم‌دهی شاعر به هریک از طرفین مناظره با میزان همدلی و همراهی او با آن طرف مناسبت داشته باشد.

طول شعر نیز در مناظره‌های پروین، متفاوت است و این بیشتر به مسئله اطناب و ایجاز و مقدار پرورش هسته مرکزی حکایت بازمی‌گردد. برخی از مناظره‌های پروین از قبیل «گنج درویش» (پروین: ۳۴۸)، «دو محضر» (همان: ۲۲۷) و «جولای خدا» (همان: ۲۰۹) به شیوه اطناب و برخی نیز؛ از قبیل «توشه پژمردگی» (همان: ۱۹۸)، «گریه بی‌سود» (همان: ۳۲۷) و «نکوهش نکوهیده» (همان: ۳۸۶) به شیوه ایجاز و در اشعاری کوتاه سروده شده‌اند و موضوع خود را به سرانجام می‌رسانند.

۲-۳- محتوا و درون‌مایه مناظرات

یکی از گسترده‌ترین و دامنه‌دارترین انواع ادبی در شعر پارسی، نوع تعلیمی است. شعر تعلیمی، شعری است که قصد گوینده و سراینده آن، ابلاغ پیامی با غایت تعلیمی باشد. شعر پروین از برجسته‌ترین نمونه‌های شعر تعلیمی در ادبیات معاصر و حتی در تمام تاریخ شعر پارسی است و جان‌مایه آن، مضامین گوناگونی از جمله اخلاق، توحید و خداشناسی، خدمت به مردم، عرفان و مفاهیم دینی و انسانی است. حوزه محتوا و درون‌مایه شعر پروین را از سه منظر موضوع، انگیزه و نتیجه می‌توان بررسی کرد:

۲-۳-۱- از نظر موضوع

موضوع، مقوله‌ای است که مناظره بر اساس آن و بر گرد آن شکل می‌گیرد. موضوعات گوناگونی در اشعار پروین به چشم می‌خورد؛ از جمله: مناعت طبع، ظلم‌ستیزی، توحید، پند و نصیحت، اعتقاد به سرنوشت و پرهیز از آز. یکی از موضوعات مهم در اشعار پروین، توحید است:

بلبلی گفت سحر با گل سرخ
گل خوشبوی و نکویی چون تورا
گفت: زیبایی گل را مستای
رو گلی جوی که همواره خوش است
ما چو رفتیم، گل دیگر هست
کاین همه خار به گرد تو چراست
همنشین بودن با خار خطاست
زانکه یک ره خوش و یک دم زیباست
باغ تحقیق از این باغ جداست
ذات حق، بی خلل و بی همتاست
(همان: ۳۳۰-۳۳۱)

۲-۳-۲- با توجه به انگیزه

منظور از انگیزه، عاملی محرک است که باعث پدید آمدن مناظره می‌شود و به صورت مولفه‌ای محتوایی در متن قابل دریافت است؛ مانند: انتقاد از ظلم و بی عدالتی، حکمی را محکوم و رد کردن، انتقاد غیر مستقیم، محبت به مردم، ستایش تواضع و برای نمونه در قطعه «روز شکار»، انگیزه پروین، انتقاد از حکام زور است و این انتقاد را به صورت غیر مستقیم در قالب شکایت پیرزنی از قباد می‌سراید:

روز شکار، پیرزنی با قباد گفت
روزی بیا به کلبه ما از ره شکار
کز آتش فساد تو، جز دود آه نیست
تحقیق حال گوشه نشینان گناه نیست
هنگام چاشت، سفره بی نان بین
تا بنگری که نام و نشان از رفاه نیست...
(همان: ۲۷)

۲-۳-۳- با توجه به گرفتن نتیجه

مناظره‌های پروین به سبب ذات اخلاقی، همه منتج به نتایجی حکمت‌آموز و اخلاقی‌اند. نتایج مناظره‌های پروین، گاه در کل شعر، سریان دارد و گاه در پایان‌بندی مناظره حاصل می‌شود؛ مانند شعر ذیل، که نتیجه در پایان‌بندی حاصل می‌شود:

کاهلی در گوشه‌ای افتاد سست
عنکبوتی دید بر در، گرم کار
خسته و رنجور؛ اما تندرست
دو ک همّت را به کار انداخته
گفت کاهل کاین چه کار سرسریست
کوه‌ها گاه است در این کارگاه
چند خندی بر در و دیوار من
آگه نیستی ز اسرار من

علم ره بنمودن از حق، پا ز ما قدرت و یاری ازو، یارا ز ما
(همان: ۲۰۹-۲۱۱)

۲-۴- مناظره به جهت نحوه نقل قول

نقل قول در مناظره‌های پروین به صورت‌های متفاوت انجام می‌گیرد که سه صورت از میان آنها کاربرد بیشتر دارد؛ گاه نقل قول در قالب آشنای «گفت-گفت/گفتا» است، گاه به صورت «گفت- جواب داد» و گاه نیز، پاسخ‌گویی در قالب افعال و حرکاتی است که مفید گفتن اند؛ از قبیل خندیدن:

۲-۴-۱- الگوی «گفت-گفت/گفتا» در شعر «امروز و فردا»

بلبل آهسته به گل گفت شبی	که مرا از تو تمنایی هست
من به پیوند تو یک رای شدم	گر تو را نیز چنین رایی هست
گفت: فردا به گلستان باز آی	تا ببینی چه تماشایی هست
گر که منظور تو زیبایی ماست	هر طرف چهره زیبایی هست

(همان: ۱۶۳)

۲-۴-۲- الگوی «گفت- جواب داد» در شعر «تاراج روزگار»

نهال تازه‌ای گفت با درختی خشک	که از چه روی تو را هیچ برگ و باری نیست
چرا بدین صفت از آفتاب سوخته‌ای	مگر به طرف چمن، آب و آبیاری نیست
شکوفه‌های من از روشنی چو خورشیدند	به برگ و شاخه من ذره غباری نیست
جواب داد که یاران، رفیق نیم رهند	به روز حادثه، غیر از شکیب، یاری نیست

(همان: ۱۹۶)

۲-۴-۳- الگوی پاسخ‌گویی با حرکات و افعال از قبیل خندیدن در شعر «توانا و

ناتوان»

در دست بانویی به نخ‌گفت سوزنی	کای هرزه گرد بی سرو بی پا چه می‌کنی
ما می‌رویم تا که بدوزیم پاره‌ای	هر جا که می‌رسیم، تو با ما چه می‌کنی
خندید نخ که ما همه جا با تو هم‌ریم	بنگر به روز تجربه تنها چه می‌کنی ...
هر پارگی به همت من می‌شود درست	پنهان چنین حکایت پیدا چه می‌کنی ...

(همان: ۱۹۸)

۲-۵- مناظره از دیدگاه طرفین مناظره

مناظره‌های پروین به جهت طرفین مناظره، تنوع بسیار دارد. طرفین مناظره‌های پروین، گاه از عالم انسانی انتخاب شده‌اند و گاه از عالم جانوران، گاه از گل‌ها و گیاهان و اجزای طبیعت یا از جلوه‌های حیات مادی و زندگانی انسانی.

۲-۵-۱- هر دو طرف از عالم انسانی

شمار چشمگیری از مناظره‌های پروین، میان دو انسان صورت می‌گیرد. نکته جالب در این گروه از مناظره‌ها، ویژگی تضاد میان طرفین است؛ مانند: «عالم و نادان» (همان: ۱۷۲)، «مست و هوشیار» (همان: ۳۶۳)، «دزد و قاضی» (همان: ۲۲۴) و «قباد و پیرزن» (همان: ۲۷۰). پروین با رعایت نهایت بُعد میان طرفین مناظره، نهایت تناقض‌ها و تضادها را در عالم بشری؛ به‌ویژه در روابط اجتماعی به تصویر می‌کشد:

محتسب، مستی به ره دید و گریبانش گرفت

مست گفت: ای دوست، این پیراهن است افسار نیست

گفت: مستی، زان سبب افتان و خیزان می‌روی

گفت: جرم راه رفتن نیست، ره هموار نیست

گفت: می‌باید تو را تا خانه قاضی برم

گفت: رو صبح آی، قاضی نیمه شب بیدار نیست...

(همان، ۳۶۳)

۲-۵-۲- هر دو طرف از جانوران

این دسته از مناظره‌های پروین، تمثیل‌هایی اخلاقی و حکمت‌آموز هستند که در نوع داستانی فابل (fable) می‌گنجد. هریک از جانوران در این مناظره‌ها، نمادی برای یک ویژگی اغلب انسانی اند و مانند مناظره‌های میان انسان‌ها، نهایت بُعد در آنها رعایت شده‌است؛ مانند: مناظره «مور و پیل» (همان: ۱۸۸)، «گنجشک و هما» (همان: ۲۹۲)، «گربه و موش» (همان: ۲۹۸) و «مور و مار» (همان: ۳۶۷). هدف از رعایت بُعد در طرفین این مناظره‌ها آن است که تناقض‌ها و تضادهای موجود در روابط موجودات و به‌ویژه انسان‌ها به نحوی پررنگ‌تر نمایش داده شود:

با مور گفت مار، سحرگه به مرغزار
کز ضعف و بی‌خودی، تو چنین خردی و نزار

همچون تو، ناتوان نشنیده‌ام به هیچ جا هر چند دیده‌ام چو تو جنبندگان هزار
غافل چرا روی که کشندت چو غافلان پشت از چه خم کنی که نهدت به پشت بار...
(همان، ۳۶۷)

۲-۵-۳- هر دو طرف از عالم گل و گیاه و طبیعت

این دسته از مناظره‌های پروین نیز، فابل‌هایی‌اند که در آنها طرفین مناظره، نماد ویژگی‌های اغلب انسانی‌اند و با رعایت نهایت بُعد در وجه مقایسه انتخاب شده‌اند؛ مانند: «نرگس و گل خودرو» (همان: ۳۳۴)، «گل و آب روان» (همان: ۱۹۲)، «درخت سپیدار و تبر» (همان: ۲۱۹) و «گل و خاک» (همان: ۳۴۲):

صبحدم، تازه گلی خودبین گفت کز چه خاک سیهم در پهلوست
خاک خندید که منظوری هست خیره با هم نشستیم، ای دوست
مقصد این ره ناپیدا را ز کسی پرس که پیدایش از اوست
(همان: ۳۴۲)

۲-۵-۴- هر دو طرف از جلوه‌ها و اجزای زندگانی انسانی

در این دسته از مناظره‌ها نیز، با داستان‌هایی تمثیلی مواجهیم که طرفین آنها از اجزا و لوازم زندگانی انسانی انتخاب شده‌اند و هر یک، بازگوکننده جنبه‌ای از حیات بشری‌اند؛ مانند: «سوزن و پیراهن» (همان: ۳۷۶)، «عدس و ماش» (همان: ۱۷۴)، «نخود و لوبیا» (همان: ۲۹۸)، «سیر و پیاز» (همان: ۳۸۳):

عدسی وقت پختن از ماشی روی پیچید و گفت: این چه کسی است
ماش خندید و گفت: غره مشو ز آنکه چون من فزون و چون تو بسی است
هر چه را می‌پزند، خواهد پخت چه تفاوت که ماش یا عدسی است
جز تو در دیگ، هر چه ریخته‌اند تو گمان می‌کنی که خار و خسی است
(همان: ۱۷۴)

۲-۶- آرایه‌ها در مناظره‌ها

یکی از وجوه افتراق زبان از ادبیات، افزوده شدن شگردهایی است که زبان را از صورت ماده خام به درمی‌آورد و آن را به ادبیات تبدیل می‌کند. شماری از این شگردها از قبیل سجع، جناس و واج‌آرایی، در خدمت ایجاد یا توسعه موسیقی

کلام اند و برخی دیگر که از شمار بدیع معنوی و بیان اند، در نحوه اجرای محتوا تحول ایجاد می کنند و با افزودن دروغ هنری، ایجاد شبکه های محتوایی (اعم از تناسب و تضاد) یا تبدیل مستقیم به غیر مستقیم، از محتوای عادی و عادت شده زبان، تصویری تازه و جذاب ارائه می کنند. مناظره های پروین به سبب اولویت ابلاغ پیام های حکمی و اخلاقی، به جای بدیع لفظی، بیان و بدیع معنوی را ابزار اصلی خود قرار داده است و شگردهایی چون تمثیل، تناسب، تشخیص، تضاد و ارسال مثل در آنها به وفور دیده می شود:

۲-۶-۱- تشخیص

تشخیص از فروع استعاره و از مهم ترین شگردهایی است که در تمثیل و داستان های از سنخ فابل (fable) به کار گرفته می شود. تشخیص «چنین است که گوینده برای تصویر معنای مجرده، اشخاص تصور کرده، کردار و گفتار زندگانی را به آنان منسوب دارد (شمسیا، ۱۳۹۰: ۱۸۴). در تشخیص با مستعارلهی مواجهیم که مستعارُمنه آن، انسان یا موجودی انسانواره است و اوصاف آن به مستعارُله سرایت داده می شود. در مناظره های پروین، مواردی که در گروه مناظره های طرفین جانوران، گل ها و گیاهان اجزای طبیعت و لوازم زندگانی بشر دسته بندی شدند، بر اساس شگرد تشخیص پدید آمده اند:

گفت دیوار قصر پادشهی	که بلندی، مرا سزاوار است
هر که مانند من سرفرازد	پایدار و بلند مقدار است
فرّخم زان سبب که سایه من	جای آسایش جهاندار است
پایه گفت: این قدر به خویش مناز	در و دیوار و بام بسیار است
اندر آنجا که کار باید کرد	چه فضیلت برای گفتار است

(پروین، ۱۳۸۷: ۱۹۰-۱۹۱)

۲-۶-۲- تمثیل

«تمثیل، بیان حکایت و روایتی است که هر چند معنای ظاهری دارد؛ اما مراد گوینده، معنای کلی تر است» (شمسیا، ۱۳۹۰: ۲۴۳). تمثیل، تشبیهی بزرگ است که مجموعه ای انتزاعی را به مجموعه ای تصویری و ملموس، مانند می کند. تمثیل ها

اغلب، داستانک‌هایی در حد یک مصرع، یا حکایت یا داستانی اند که مشبه‌به برای پیامی حکمی یا اخلاقی قرار می‌گیرند؛ اعم از آنکه مشبه آنها ذکر شود یا در تقدیر قرار گیرد. مناظره‌های پروین به سبب آنکه داستان‌هایی برای ابلاغ پیامی فراتر از ظاهر خود اند، مبتنی بر شگرد تمثیل‌اند؛ اما این شگرد در آن دسته از مناظره‌ها بارزتر می‌شود که طرفین آنها از غیرانسان گزینش شده باشد. از میان مناظره‌های پروین، ۴۱ شعر بدین شیوه سروده شده‌است؛ مانند: «پایمال آز» (پروین، ۱۳۸۷: ۱۸۸)، «دکان ریا و روباه نفس» (همان: ۲۲۵)، «معمار نادان» (همان: ۳۶۴)، «کیفر بی هنر» (همان: ۳۱۹):

دید موری در رهی پیلی سترگ	گفت: باید بود چون پیلان بزرگ
من چنین خرد و نزارم ز آن سبب	که نه روز آسایشی دارم، نه شب
بار بردم، کار کردم هر نفس	نه گرفتم مزد، نه گفتند بس...

(همان: ۱۸۸)

۲-۶-۳- شبکه‌های معنایی (تناسب و تضاد)

یکی از شگردهای بسیار پرکاربرد در مناظره‌های پروین، شبکه‌سازی معنایی میان واژه‌ها به شیوه تضاد و به‌ویژه تناسب (مراعات نظیر) است. اهمیت تناسب چنان است که آن را شرط اولیه تحقق زبان و تألیف اجزای جمله دانسته‌اند (همایی، ۱۳۸۹: ۱۶۹) و به‌سختی می‌توان زبان تألیف‌شده از اجزای نامتناسب را تصور کرد؛ اما تناسب به‌سان شگردی ادبی، رعایت مناسبت‌ها و پیوندهای برجسته‌تر میان اشیایی است که رابطه یافتن آنها هم، اغلب بر اساس تصورات و تخیلات شاعران صورت گرفته باشد. آنچه تضاد و تناسب را در شعر پروین متمایزتر می‌سازد، گزینش طرفین تناسب و تضاد از میان اشیای دم‌دستی و کم‌اهمیت است که در زندگی روزمره به چشم نمی‌آیند و فراموش می‌شوند؛ مانند: «سوزن و پیراهن» (پروین، ۱۳۸۷: ۳۷۶)، «عدس و ماش» (همان: ۱۷۴)، «نخود و لوییا» (همان: ۲۹۸) و «سیر و پیاز» (همان: ۳۸۳). اما در حوزه تضاد، گویی الزام پروین به گزینش طرفین شبکه، به گونه‌ای است که نهایت بُعد را داشته‌باشند یا آنکه پروین بتواند در خلال روایت داستان، نهایت بُعد را میانشان پرورش دهد؛ مانند: «عالم و نادان» (همان: ۱۷۲)، «مست و هوشیار» (همان: ۳۶۳)، «دزد و قاضی» (همان: ۲۲۴) «قباد و

پیرزن» (همان: ۲۷۰)، «مور و پیل» (همان: ۱۸۸)، «گنجشک و هما» (همان: ۲۹۲)، «گربه و موش» (همان: ۲۹۸) و «مورو مار» (همان: ۳۴۷)، «نرگس و گل خودرو» (همان: ۳۳۴)، «گل و آب روان» (همان: ۱۹۲)، «درخت سپیدار و تبر» (همان: ۲۱۹) و «گل و خاک» (همان: ۳۴۲). هدف پروین از گزینش چنین اضدادی، برجسته‌ساختن تضادها و تناقض‌هایی است که به آنها در نظام هستی باور دارد یا در زندگانی انسان‌ها می‌یابد.

۳- نتیجه‌گیری

مناظره، یکی از گونه‌های بیان ادبی است که پیشینه‌ای دیرینه در ادبیات جهان و به‌ویژه ایران دارد و سابقه آن در ادبیات پارسی به عصر ادبیات اوستایی بازمی‌گردد. در دوره فارسی نو نیز، مناظره چه به صورت نامستقل (مانند مناظره رستم و اسفندیار در شاهنامه) و چه به صورت مستقل؛ از قبیل مناظرات اسدی توسی و خواجه‌ی کرمانی، کاربرد فراوان داشته است؛ اما آنکه مناظره را تشخیص بی سابقه بخشید، پروین اعتصامی است. مناظره‌های پروین، چه به حسب کمیت و چه به حسب محتوا و نحوه اجرا و شگردهای بیان، مجموعه‌ای درخشان از مناظره‌سرایی را پدید آورده است. برخی از ویژگی‌های مناظرات پروین عبارت است از:

- مناظره‌ها بیشتر در قالب قطعه و کمتر در قالب مثنوی است. به نظر می‌رسد که گزینش قالب قطعه برای سرایش مناظره، اگرچه حادثه‌ای شکلی است؛ اما ناشی از الزامی محتوایی است؛ زیرا پیشاپیش، شاعرانی چون انوری، سعدی و ابن‌یمین، قالب قطعه را برای بیان مضامین حکمی و اخلاقی تخصیص داده بودند.

- مناظره‌های پروین، دارای محتوای اخلاقی و حکمی و ناظر به انتقاد از کاستی‌ها و زشتی‌هایی است که شاعر در نظام هستی یا روابط اجتماعی می‌بیند.

- نحوه نقل قول و گفت‌وگوپردازی در مناظره‌های پروین، اغلب در قالب «گفت-گفت/گفتا» و گاه به صورت «گفت-جواب داد» و گاه نیز، از طریق افعال و حرکات مفید گفتن است؛ مانند خندیدن.

- طرفین مناظره‌های پروین، طیف وسیعی را دربرمی‌گیرد؛ از انسان گرفته تا جانوران، گل‌ها، گیاهان، اجزای طبیعت و لوازم زندگانی بشری. ویژگی اغلب مشترک در گزینش طرفین مناظره، رعایت نهایت بُعد در میان آنهاست تا شاعر بتواند از طریق تضاد میان آنها، تضادهای موجود در نظام هستی یا روابط انسانی را به تصویر کشد.

- شگردهای آفرینش ادبی در مناظره‌های پروین، بیشتر از سنخ بدیع معنوی و بیان است و میان آنها تشخیص، تمثیل، تناسب و تضاد، برجستگی بیشتر دارد.

فهرست منابع

۱. ابراهیمی، جعفر. (۱۳۹۱). **پروین اعتصامی**. چاپ ششم. تهران: پیدایش.
۲. انوری، محمد بن محمد. (۱۳۷۲). **دیوان**. چاپ چهارم. تهران: مطالعات علمی و فرهنگی.
۳. **اوستا**، کهن‌ترین سرودها و متن‌های ایرانی. (۱۳۸۵). گزارش و پژوهش جلیل دوستخواه. ج اول. چاپ دهم. تهران: مروارید.
۴. پروین، رخشنده اعتصامی. (۱۳۸۷). **زندگی و اشعار پروین اعتصامی**. به کوشش محمود نامی، تهران: آسیم.
۵. چاوش اکبری، رحیم. (۱۳۸۰). **حکیم بانوی شعر ایران (زندگی و شعر پروین اعتصامی)**. چاپ دوم. تهران: ثالث.
۶. حافظ، شمس‌الدین محمد. (۱۳۸۶). **دیوان**. بر اساس تصحیح قزوینی و غنی. به اهتمام جهانگیر منصور. چاپ سی و هفتم. تهران: دوران.
۷. دهخدا، علی‌اکبر. (۱۳۷۳). **نعت‌نامه**. جلد سیزدهم. تهران: دانشگاه تهران.
۸. سعدی، مصلح‌الدین. (۱۳۶۳). **کلیات**. تهران: ایران.
۹. شمسیا، سیروس. (۱۳۷۵). **انواع ادبی**. چاپ چهارم. تهران: فردوس.
۱۰. شمسیا، سیروس. (۱۳۹۰). **بیان**. ویراست چهارم. تهران: میترا.
۱۱. صفا، ذبیح‌الله. (۱۳۷۳). **تاریخ ادبیات در ایران**. چاپ یازدهم. تهران: فردوس.
۱۲. فرخ‌زادان، آذر فرنبرغ. (۱۳۷۶). **ماتیکان گجستک ابالیس**. برگردان ابراهیم میرزای ناظر. چاپ اول. تهران: هیرمند.
۱۳. فردوسی، ابوالقاسم. (۱۳۸۹). **شاهنامه (بر اساس چاپ مسکو)**. تهران: پیام عدالت.
۱۴. معین، محمد. (۱۳۸۵). **فرهنگ فارسی**. چاپ دوم. تهران: رشد.
۱۵. نظامی، الیاس بن یوسف. (۱۳۷۶). **خسرو و شیرین**. تصحیح وحید دستگردی. به کوشش سعید حمیدیان. تهران: قطره.
۱۶. وحشی بافقی، کمال‌الدین. (۱۳۸۶). **دیوان**. به کوشش پرویز بابایی. چاپ پنجم. تهران: نگاه.
۱۷. سبحانی، توفیق. (۱۳۸۸). **تاریخ ادبیات ایران**. چاپ دوم. تهران: زوآر.
۱۸. همایی، جلال‌الدین. (۱۳۸۹). **فنون بلاغت و صنایع ادبی**. چاپ اول. تهران: اهورا.